

Critique of “Bill on the Right of Convicts to Study” in the Light of International Documents and Domestic Regulations (Type of Paper: Research Article)

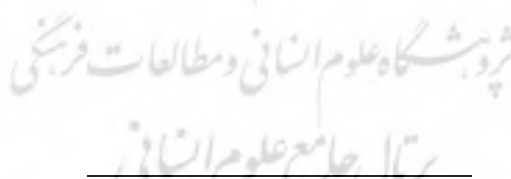
Jamal Beigi ^{1*}, Mehrdad Teymouri ²

Abstract

The bill to add a note to Article 5 of the “Law on Assessment and Admission of Students in Universities and Higher Education Centers of the Country” in order to impose a sentence of deprivation of education for people with a definite criminal conviction for organized crimes of human trafficking, moharebeh, and espionage. Therefore, the present study descriptively and analytically seeks to answer the question of whether convicts can be denied access to the right to education as an accessory punishment. Findings show that deprivation of education is not an example of deprivation of enumerated social rights in Article 26 of the Islamic Penal Code; the bill also violates domestic law and international documents to eliminate undue discrimination, provide fair access for all, equal civil, social and cultural rights, and the provision of higher education facilities.

Keywords

International Documents, Right to Education, Social Rights, Convict, Domestic Regulations.



1. Associate Prof., Department of Criminal Law & Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran (Corresponding Author). ORCID Code: 0000-0002-2379-2309, Email: Jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir
 2. Ph.D. Student in Criminal Law and Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran. ORCID Code: 0000-0003-1933-5727, Email: mehrdadteymoori1@gmail.com
- Received: September 24, 2019 - Accepted: June 21, 2020



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

نقد و بررسی لایحه حق تحصیل محکومان در پرتو اسناد بین‌المللی و مقررات داخلی (نوع مقاله: علمی - پژوهشی)

جمال بیگی^{۱*}، مهرداد تیموری^۲

چکیده

لایحه الحاق یک تبصره به ماده ۵ قانون سنجش و پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور در جهت وضع حکمی برای ایجاد محرومیت از آموزش برای افراد دارای سابقه محکومیت کیفری قطعی در جرائم سازمان‌یافته قاچاق انسان، محاربه و جاسوسی است. از این رو، پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی درصدد پاسخگویی به این پرسش است که آیا می‌توان محکومان را از دسترسی به حق آموزش به‌عنوان مجازات تبعی محروم کرد؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که محرومیت از آموزش از مصادیق محرومیت از حقوق اجتماعی احصایی در ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی نیست. همچنین لایحه مذکور مغایر با مقررات داخلی و اسناد بین‌المللی مبنی بر رفع تبعیض‌های ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه افراد و تساوی در برخورداری از حقوق مدنی، اجتماعی و فرهنگی و نیز فراهم کردن وسایل تحصیلات عالی است.

کلیدواژگان

اسناد بین‌المللی، حق آموزش، حقوق اجتماعی، محکوم، مقررات داخلی.

۱. دانشیار، گروه آموزشی حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران (نویسنده مسئول). کد ارکید: 0000-0002-2379-2309
Email: Jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری تخصصی حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.
کد ارکید: 0000-0003-1933-5727
Email: mehrdadteymoori1@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۰۲ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۰۱

مقدمه

انسان غایت زندگی اجتماعی است، یعنی اساساً اگر این مفهوم انسان را از حیات جمعی بستانیم، دیگر آن حیات معنایی نخواهد داشت؛ بنابراین غایت هر زیست جمعی در جامعه حمایت از حق‌ها، آزادی‌ها و شأن و کرامت آدمیان است. کرامت انسانی مفهوم و نظریه بسیار گسترده‌ای است که برای تحقق آن، باید یکایک حق‌ها و آزادی‌های بشر محقق شود. دولت‌های مردم‌سالار و قانون‌مدار با تبعیت از حقوق اساسی و اولیه مردم، هزینه کردن در عرصه آموزش را سرمایه‌گذاری قلمداد می‌کنند و به درونی‌سازی هنجارها و ارزش‌های اجتماعی از طریق آموزش می‌پردازند (Ssenyonjo, 2009: 357). امروزه همه ملت‌ها با سایر نقاط جهان در رقابت هستند و از مهم‌ترین شاخص‌های ظرفیت یک کشور برای رقابت، دانش، مهارت و شایستگی‌های شهروندی است (Olawale olaniran, 2016: 2). آموزش علاوه‌بر اینکه از مصادیق مهم حقوق بشر است، ابزاری مهم برای تحقق سایر مصادیق حقوق بشر نیز به‌شمار می‌رود. تضمین و اجرای حق آموزش مقدمه تضمین و اجرای سایر مصادیق حقوق بشر است (رستمی و سلیمان‌زاده افشار، ۱۳۹۹: ۱۷۴). بی‌تردید حق بر آموزش از جمله حق‌ها و آزادی‌هایی است که بی‌توجهی به آن گوهر هستی و زیربنای حقوق بشر یعنی کرامت انسانی را به مخاطره می‌اندازد.

لایحه الحاقی یک تبصره به ماده ۵ قانون سنجش و پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور، به پیشنهاد معاونت حقوقی رئیس‌جمهور در جلسه مورخ ۱۳۹۷/۶/۱۸ هیأت وزیران به تصویب رسید و در تاریخ ۱۳۹۷/۸/۱ در مجلس شورای اسلامی اعلام وصول شد و برای اعلام نظر به کمیسیون‌های اصلی آموزش و تحقیقات و فرعی بهداشت و درمان، قضایی و حقوقی، امنیت ملی و سیاست خارجی ارسال شد، البته در تاریخ ۱۳۹۸/۲/۳۱ گزارش رد لایحه از طرف کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری به مجلس شورای اسلامی ارسال شد. با توجه به اینکه لایحه مذکور برای اولین بار در جهت وضع حکمی برای ایجاد محرومیت و سلب یکی از

۱. گزارش رد شماره ۱۵۷۱۱/۳۸/د تاریخ ۱۳۹۸/۲/۳۱ لایحه الحاقی یک تبصره به ماده ۵ قانون سنجش و پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور به شماره چاپ ۱۱۴۹ که به این کمیسیون به‌عنوان اصلی ارجاع گردیده بود. در روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۸/۲/۲۹ با حضور مسئولان دستگاه‌های اجرایی و کارشناسان مرکز پژوهش‌ها مورد بررسی قرار گرفت و رد شد. اینک گزارش آن در اجرای ماده ۱۴۳ قانون آیین داخلی مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌شود؛ و دلایل رد آن عبارت‌اند از:

۱. مغایرت با چند اصل قانون اساسی از جمله اصول ۳، ۴، ۳۰ و ۱۵۶.
۲. دولت پس از دو ماه تغییرات مورد توافق را به کمیسیون ارسال ننمود.
۳. شورای عالی انقلاب فرهنگی نسبت به موضوع این لایحه مصوبه‌ای دارد.
۴. طرح این موضوع بدین شکل در حال حاضر به مصلحت کشور نمی‌باشد.

حقوق بنیادین بشری (حق بر آموزش) است، از این رو مقاله حاضر ضمن بیان ایرادهای لایحه مذکور و مباحث آن با اسناد بین‌المللی و مقررات داخلی، درصدد پاسخگویی به این پرسش است که آیا می‌توان اشخاص دارای سابقه محکومیت قطعی در جرائم سازمان‌یافته قاچاق انسان، محاربه حدی و جاسوسی را از دسترسی به حق آموزش به‌عنوان مجازات تبعی محروم کرد؟

مفهوم‌شناسی

آموزش، ابزار رشد و شکوفایی جسم و روان و شخصیت انسان است. آموزش به هر فردی امکان می‌دهد تا در جریان زندگی خود، محیط اجتماعی‌اش و به‌ویژه بر دولت کنترل و نظارت داشته باشد. همچنین مشارکت افراد در زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را تسهیل می‌کند و این امکان را برای افراد فراهم می‌سازد که خود مسئولیت زندگی خویش را بر عهده گیرند (انصاری، ۱۳۹۳: ۱۵). آموزش و پرورش باید طوری هدایت شود که شخصیت انسانی هر کس را به حد کمال رشد آن برساند و احترام به حقوق و آزادی‌های بشر را تقویت کند (ایده و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۶۰). بر این اساس تمامی افراد حق دارند آموزش‌هایی را که برای رشد شخصیت فردی و جمعی آنها لازم است، ببینند (طلایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱). به دیگر سخن، حق بر آموزش محکومان بهره‌مندی از حق ادامه تحصیل در مقاطع تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه و همچنین تحصیلات عالی و به‌طور کلی تحصیلات آکادمیک را شامل می‌شود. مجازات‌های تبعی به آن دسته از مجازات‌ها اطلاق می‌شود که به لحاظ ماهیت، مشتمل بر محرومیت از برخی حقوق اجتماعی است که به موجب قانون و بدون نیاز به ذکر در رأی دادگاه و به محض احراز بزه و محکومیت قطعی و مؤثر متهم و به تبع حکم اصلی بر محکوم تحمیل می‌شود و از آن جهت که به تبع مجازات اصلی و در اثر آن نسبت به مجرم اعمال می‌شود، تبعی گویند (واحدی‌زاده و جباری، ۱۳۹۲: ۱۳۷). تبعات محکومیت جزایی اغلب محرومیت از حقوق اجتماعی است که قانونگذار آن را به زمان محدود کرده است، پس از اجرای حکم و گذشت این مدت آثار محکومیت زایل می‌شود (اردبیلی، ۱۳۹۷: ۷۴).

ایجابی یا سلبی بودن حق آموزش

حقوق بشر حقوق ذاتی و طبیعی آدم است، که به انسان بودن او مربوط است. به همین سبب مستقل از دولت‌ها، تغییرناپذیر، دائمی، فراگیر و جهان‌شمول است (سالومون، ۱۳۹۱: ۲۷۹). چون فرد نمی‌تواند از انسان بودن بازایستد، هر قدر هم رفتار او غیرانسانی باشد یا رفتاری که مجبور به تحمل آن است غیرانسانی باشد، این حقوق سلب‌ناشدنی است (دانلی، ۱۳۸۴: ۷۲۷).

بنابراین حقوق بشر مقدم بر حقوق قانونی و سیاسی است که نه می‌توان آنها را گرفت و نه از آنها داوطلبانه گذشت (اتینگر و ترینر، ۱۳۸۴: ۳۷). ارزش‌های عام که خاستگاه انسانی و عقلی دارند، بالطبع، معیارها و هنجارهای عامی را طلب می‌کنند که تحقیق همه‌آحاد بشر در این بستر آنها را مورد پذیرش قرار داده، بایسته و شایسته تلقی می‌کنند. از این منظر، رعایت و احترام به این حقوق لازم و ضروری فرض می‌شود؛ امری که به ناگزیر محدودیت‌های خاصی را نیز در پی خواهد داشت؛ یعنی اگر ابتدای منطقی بشر بر کرامت و منزلت انسانی استوار باشد، صرفاً از این حیث به بشر تعلق می‌گیرد که «بشر» است؛ زمان، مکان و قیدی دیگر را نمی‌تابد، لاجرم دو جنبه‌ی ایجابی و سلبی آن باید مورد توجه قرار گیرد. ایجابی در مقام احقاق و اعمال حق و تحقق و عینیت بخشیدن به کرامت ذات انسانی است و سلبی در مقام دفاع از آن و ممانعت از تجاوز و مخدوش ساختن آن است. از این دیدگاه تخلف از معیارها و ارزش‌های انسانی که از شمول قواعد و تعهدات بین‌المللی دولت تلقی می‌شوند، برگرفته از ملاحظات ابتدایی و ذاتاً بدیهی انسان هستند که از ویژگی مطلق برخوردارند (شریفی طراز کوهی، ۱۳۹۲: ۳۸-۳۹). همچنین ماهیت تعهد در برابری آموزشی تعهدی دوزوره است که نقض آن موجب ایجاد مسئولیت بین‌المللی برای دولت‌ها می‌شود، این تعهدات ماهیت سلبی ندارند، بلکه در توازن با ماهیت ایجابی خود رفتار دولت‌ها را هدایت و نظم می‌بخشند (سید حاتمی و مصفا، ۱۳۹۹: ۱۳۷۹). همچنین، حق آموزش ماهیت چندوجهی دارد. از این رو، تعهداتی با ماهیت‌های مختلف ایجابی و سلبی ایجاد می‌کند. با توجه به مشکلات مالی و حدوث شرایطی نظیر جنگ، قحطی و ... برای برخی از کشورها اجرای حق آموزش در آن شرایط موجب تهدید حق برتری مانند حق حیات می‌شود؛ بنابراین، به نظر می‌رسد که بتوان حق آموزش را جهت حفظ حقوق برتر در مقطع زمانی خاصی و به صورت موقتی تعلیق نمود؛ ولی نمی‌توان این حق را به‌طور کلی سلب نمود. همچنین، زندانی شدن را نمی‌توان به‌عنوان حوادث فورس ماژور به شمار آورد و به خاطر این که اشخاص زندانی هستند حق آموزش را از آن‌ها سلب نمود (تیموری، ۱۳۹۶: ۴۰).

اجرای حق بر آموزش نقش بسزایی در جایگزین ساختن ارزش‌ها و هنجارهای متناسب با تحولات اجتماعی به صورت همگانی و گسترده در زندگی جمعی ایفا می‌کند. این ویژگی محدود به دوره‌ی خاص یا مکان معین نیست؛ بلکه هر انسان در هر مکان و زمان می‌تواند از این حق بشری بهره‌مند شود. به‌گونه‌ای که فرد در تمام مراحل زندگی خود حتی زمانی که به دلیل ارتکاب جرم محکوم به مجازات می‌شود، از این حق برخوردار است (جهانگیری و قماش، ۱۳۹۶: ۶۴). زندانیان معمولاً از جوامع فقیر ناشی می‌شوند و به احتمال زیاد تجربه‌ی محدود یا هیچ تجربه‌ی آموزشی نسبت به بقیه جامعه ندارند. بسیاری از آنها با خواندن و نوشتن مشکل

دارند؛ فراهم آوردن فرصت‌های آموزش از جمله خدمات باکیفیت آموزشی از راه‌های حمایت از توانبخشی آنهاست. دسترسی به آموزش می‌تواند به شکسته شدن چرخه آسیب‌های تحصیلی، فقر، خشونت و جرم کمک کند (8: 2019, Krolak). زیرا بزهکاری از عوامل متعدد سرچشمه می‌گیرد که شماری از آنها در ناقص بودن اقدامات دولت در زمینه جامعه‌پذیری شهروندان ریشه دارند. در واقع این کوتاهی و کم‌کاری دولت‌ها در ایجاد محیط مناسب به‌منظور سپری شدن درست فرایند رشد افراد است که تعدادی از آنان را به سمت ارتکاب جرم سوق می‌دهد (191: 2009, Carrabine et al.). زیر سؤال بردن دولت‌ها در کوتاهی‌شان در ایفای حق بر آموزش علاوه بر قوانین خاص حاکم بر حق بر آموزش، از قوانین حقوق بشری عام نیز پیروی می‌کند. در صورت نقض حق بر آموزش، بررسی رسیدگی قضایی در آن لازم می‌نماید؛ چراکه قربانی نقض حق بر آموزش تنها با دادخواهی علیه متعهدان آن به حق خود خواهد رسید (حاتمی و زاهدی گلوگاهی، ۱۳۹۲: ۱۰).

با توجه به دلایل توجیهی ارائه لایحه که بر اهمیت جایگاه علم، آموزش و تعلیم و تربیت در آیات و روایات و بیانگر لزوم تحصیل علم و افزایش آگاهی برای همه افراد اشاره دارد و درصدد تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه افراد ملت و فراهم کردن وسایل تحصیلات عالی است، همچنین اشاره به این دارد که همه افراد از حقوق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی از جمله حق ادامه تحصیل به‌منزله یکی از حقوق بنیادین برخوردارند و بر لزوم تضمین حق بهره‌مندی دائم آنان از ادامه تحصیل و ایجاد فرصت کسب علم و آموزش برای همه افراد جامعه را مدنظر قرار داده است، حال در نقد و بررسی تبصره الحاقی به ماده‌واحد این سؤال‌ها به‌وجود می‌آید که با توجه به اینکه در قسمت اول تبصره آمده است: «حق بر آموزش جزء حقوق اساسی افراد است و هیچ‌کس را نمی‌توان به عذری غیر از عدم صلاحیت علمی مقرر، از آموزش در مقاطع مختلف تحصیلی از جمله آموزش عالی منع کرد...»؛ و اینکه در صدر تبصره حق بر آموزش را جزء حقوق اساسی افراد برشمرده است، بنابراین، در ادامه تبصره چطور می‌توان اشخاص را بنابر دلایلی غیر از صلاحیت علمی از ادامه تحصیل منع کرد؟ در ادامه تبصره نیز آمده است که: «... افراد دارای سابقه محکومیت کیفری قطعی در جرائم سازمان‌یافته قاچاق انسان، محاربه حدی و جاسوسی برای کشور متخاصم...» حال با توجه به نبود علامت (،) در کلمات سازمان‌یافته و قاچاق انسان به خواننده القا می‌شود که منظور از کلمه فوق جرم سازمان‌یافته قاچاق انسان، محاربه حدی و جاسوسی است، پس در این صورت برای جرم محاربه که جرمی مقید است، نمی‌توان مصداق سازمان‌یافته را در نظر گرفت و اگر در بین کلمات سازمان‌یافته و قاچاق انسان علامت (،) در نظر بگیریم که

در حین تدوین لایحه از قلم افتاده است، دایره شمول تبصره جرائم بیشتری را شامل می‌شود. سؤال دیگر اینکه با توجه به ذکر جرم محاربه حدی که در نقطه مقابل آن محاربه غیرحدی قرار می‌گیرد، آیا در قوانین جاری در کشور و متون فقهی جرمی هم به‌عنوان محاربه غیرحدی در مقابل محاربه حدی وجود دارد؛ و اینکه هدف تدوین‌کنندگان لایحه از ذکر این جرم‌ها چه بوده است. آیا درصدد ایجاد حکم برای جرائم امنیتی بوده است یا دلیل تخصیص این جرائم از سایر جرائم چه می‌تواند باشد؛ و در ادامه تبصره آمده است که: «... در طول مدت محرومیت تبعی اجتماعی از آموزش در مقاطع تحصیلات تکمیلی در مؤسسات آموزش عالی دولتی محروم می‌باشند...» که در اینجا افراد را در طول دوران مجازات تبعی، فقط از ادامه تحصیل در مقاطع تکمیلی به‌عنوان یکی از حقوق اجتماعی منع می‌کند و این علیرغم احصاء شدن مصداق‌های حقوق اجتماعی به‌صورت حصری در ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی است. نکته بعدی این‌که این محرومیت صرفاً در مؤسسات آموزش عالی دولتی وضع می‌گردد، پس در نقطه مقابل آن این اشخاص می‌توانند در مؤسسات آموزش عالی غیردولتی، غیرانتفاعی و ... به ادامه تحصیل در تمام مقاطع بپردازند؛ و در قسمت آخر نیز اشاره داشته است «... کلیه قوانین و مقررات عام و خاصی که شرایطی جز صلاحیت علمی برای بهره‌مندی از حق آموزش مقرر کرده‌اند، صرف‌نظر از مرجع و زمان تصویب لغو می‌شوند»؛ که در ادامه بحث به مباینت لایحه مذکور با اسناد بین‌المللی و مقررات داخلی که به‌صورت عام و خاص بر حق بهره‌مندی محکومان از آموزش اشاره دارند پرداخته می‌شود.

مباینت لایحه با اسناد بین‌المللی ناظر بر بهره‌مندی محکومان از حق آموزش

امروزه یافته‌های جرم‌شناسی بالینی، جنبه هنجاری پیدا کرده و قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی، ضمن تصریح بر بازپروری، بر این نکته تأکید می‌کنند که بازپروری فرد بزهکار، که به‌طور اتفاقی و موقت از جامعه دور نگه داشته شده و می‌توان دوباره او را به جامعه بازگرداند، دور از دسترس نیست. به همین دلیل، در اسناد بین‌المللی الزام آور یا ارشادی، تحت تأثیر یافته‌های جرم‌شناختی و موازین حقوق بشر، اصطلاح «رفتار اصلاحی با بزهکاران» به‌جای «تنبیه و کیفر» به‌کار برده می‌شود (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۱۵۸). همچنان‌که صلح جهانی جز از طریق آموزش و رشد و شکوفایی استعدادهای نهفته بشر میسر نخواهد بود و بدون تردید همه

۱. لایحه الحاق یک تبصره به ماده ۵ قانون سنجش و پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور.
۲. تأمین حقوق بشر و آزادی‌های اساسی آحاد بشر بدون هیچ‌گونه تبعیض، علاوه‌بر مقدمه، در بند ۳ ماده ۱، بند

جنگ‌ها و وقایع تلخ بشر از جهالت و خودمحوری و نادیده انگاشتن حقوق دیگران سرچشمه می‌گیرد و آموزش وسیله کسب دانایی و رهایی بشر از ظلمات جهل و کوتاهی است (شاملو، ۱۳۸۸: ۷). زندان برای دسترسی به آرمان‌های خود به ابزارها و سازوکارهای متعددی نیاز دارد که در این میان آموزش و پرورش بزهکاران از مهم‌ترین آنها به‌شمار می‌رود، زیرا بی‌سواد یا کم‌سواد بودن دسته‌ای از بزهکاران و نیز درست تربیت نشدن آنان در محیط مدرسه می‌تواند در ناآشنا ماندن اینان با ارزش‌های اجتماعی و در نتیجه گرایش آنان به بزهکاری نقش‌آفرین باشد. پس باید در عرصه کیفی آموزه‌های علمی و تربیتی را البته تا آنجا که ضروری و امکان‌پذیر است، به این دسته آموخت تا از این رهگذر امکان بازپذیری اجتماعی بزهکاران در این پهنه فراهم شود (دانش، ۱۳۷۶: ۴۷). همچنین از سیستم زندان انتظار می‌رود که با اصلاح و تربیت مجرمان، میزان جرم و جنایت را کاهش دهد (Amit Kumar, Upendra Nabh, 2018: 39). در سیستم حقوقی فراملی یا بین‌المللی منبع اصلی حقوق زندانیان قراردادهای دوجانبه یا چندجانبه، میثاق‌ها یا پروتکل‌هایی است که نمایندگان دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی مثل سازمان ملل متحد آن را وضع و تصویب می‌کنند و طرفین در قراردادهای دوجانبه یا امضاکنندگان در قراردادهای چندجانبه تعهد به اجرای آن می‌کنند.

در راستای معرفی اسناد بین‌المللی عام ناظر بر بهره‌مندی محکومان از حق آموزش می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. قواعد کمیته علمی، فرهنگی و آموزشی سازمان ملل متحد مصوب ۱۹۴۵؛ امروزه نقش آموزش و پرورش بسیار پررنگ شده و حائز اهمیت است، به‌گونه‌ای که بانک جهانی، در بیان شاخص جهانی مسئله آموزش و پرورش را از جمله شاخص‌های مذکور می‌داند. اهمیت موضوع به‌حدی است که یک سازمان بین‌المللی به نام یونسکو در زمینه آموزش فعالیت می‌کند و رسالت اصلی آن توجه به توسعه آموزش و پرورش در کشورهاست (رحمت‌اللهی و دانش ناری، ۱۳۹۳: ۵۳). براساس ماده ۱ توصیه‌نامه یونسکو که در خصوص آموزش برای همه، همکاری و صلح بین‌المللی و آموزش در ارتباط با حقوق بشر و آزادی‌های اساسی آموزش در تمامی فرایندهای زندگی اجتماعی است (Dieter Beiter, 2005: 18). از رهگذر ماده ۱ توصیه‌نامه مذکور که بر لزوم دسترسی تمام افراد جامعه بر آموزش تأکید شده است، محکومان نیز، به‌عنوان عضوی از افراد جامعه می‌توانند بر حق آموزش دسترسی داشته باشند. راهبرد میان‌مدت ۲۰۲۱-۲۰۱۴ یونسکو در زمینه آموزش مصوب ۲۰۱۴؛ هدف راهبردی یونسکو در زمینه آموزش، حمایت از دولت‌های عضو برای توسعه نظام‌های آموزشی جهت ایجاد یادگیری مادام‌العمر باکیفیت و فراگیر برای همه است

«ب» ماده ۱۳ و بند «ح» ماده ۵۵ منشور سازمان ملل مورد تأکید قرار گرفته است.

1. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO)

۲. ذکر عبارت «همه» نیز در اینجا مؤید این مطلب است که دسترسی بر حق آموزش شامل محکومان نیز می‌شود.

3. Medium-Term Strategy 2014-2021 Document 37 C/4

که در بند ۲۶ بیان می‌دارد: «... یونسکو گسترش دست‌یابی به فرصت‌های یادگیری در همه دوران زندگی را از طریق مسیرهای چندگانه (آموزش رسمی، یادگیری غیررسمی و آزاد) ارتقا خواهد بخشید و تضمین خواهد کرد که نظام‌های آموزشی و یادگیری، فراگیر و حقوق محور باشند و به تنوع فراگیران توجه کنند». مطابق بند ۲۶ این سند که در تلاش جهت دسترسی به فرصت‌های آموزشی برای همه در تمام دوران زندگی است، محکومان نیز، همانند سایر افراد جامعه امکان دسترسی به حق آموزش را در تمام دوران زندگی می‌توانند داشته باشند. سند ۲۰۳۰ یونسکو مصوب ۲۰۱۵؛ یکی از بخش‌های این قطعنامه، بحث آموزش است و در آن برنامه سازمان ملل اشاره شده است که همه ۱۹۲ کشور عضو سازمان ملل تا سال ۲۰۳۰ باید برای مردمان خود فارغ از جنسیت، قومیت، سن و هرگونه تفاوت و تبعیض، امکانات مساوی، با کیفیت بالا و مادام‌العمر برای تحصیل فراهم کنند. همان‌طور که گفته شد، در این سند به دسترسی همه اقشار جامعه به آموزش اشاره شده است که شامل محکومان نیز می‌شود. اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸؛ اعلامیه جهانی حقوق بشر از متن‌های راهنما و روشن‌گر در تاریخ بشر است. پیکار خستگی‌ناپذیر برای دفاع از حیثیت و کرامت انسان و بر ضد تمام بیدادگری‌ها در زمان‌ها و مکان‌های مختلف با حد و مرزهایی مانند قرارداد، مجموعه‌های قوانین، بیانیه‌ها و اعلامیه‌های مشخص شده که نشانه پیروزی‌های اذهان هستند و وجدان بشر و قوانین مکتوب یا مرسوم نقش بسته‌اند. به همین سبب مسئله حقوق بشر در عین حال نوعی آرمان و راهبر است (گودرزی و الوندی، ۱۳۸۴: ۳۸). مطابق مواد ۱ و ۲ تأکید شده است که افراد متولدشده آزاد و برابرند و دارای عزت و حقوق یکسان‌اند و حق استفاده از حقوق بشر را بدون هیچ‌گونه تمایزی دارا هستند (Anaya, 2004: 17). از جمله حقوق بشری افراد، حق برخورداری از تعلیم و تربیت است (O'Byrne, 2013: 5). اعلامیه جهانی حقوق بشر در زمینه حق آموزش طی بند ۱ ماده ۲۶ مقرر می‌کند: «هر کس حق دارد از آموزش و پرورش بهره‌مند شود، آموزش و پرورش لاقلاً تا حدودی که مربوط به تعلیمات ابتدایی و اساسی است باید مجانی باشد، آموزش ابتدایی اجباری است، آموزش حرفه‌ای باید عمومیت پیدا کند و آموزش عالی باید با شرایط مساوی کامل به روی همه^۳ باز باشد تا همه بنا به استعداد خود بتوانند از آن بهره‌مند گردند». ملاحظه می‌شود که در پرتو بند ۱ ماده ۲۶ اعلامیه مذکور حق آموزش، حق اساسی انسان برشمرده شده است؛ بنابراین، محکومان نیز به‌عنوان عضوی از جامعه بشری می‌توانند از آموزش عالی بهره‌مند شوند. همین مسئله در مواد ۱۲ و ۳۱ اعلامیه آمریکایی حقوق بشر، ماده ۲ پروتکل اول کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، بند

1. Transforming our world: the 2030 Agenda for Sustainable Development 25 September 2015

2. Universal Declaration of Human Rights (UDHR) 10 December 1948

۳. اطلاق و عموم واژه «همه» مذکور در این ماده، شامل محکومان نیز می‌شود و شاید بارزترین مصداق این واژه در خصوص آموزش عالی باشد.

1. American Declaration of The Rights and Duties of Man 2 May 1948

۱۰ ماده ۱ منشور اجتماعی اروپا و ماده ۱۷ منشور آفریقایی حقوق بشر نیز ذکر شده است. کنوانسیون عدم تبعیض در آموزش و پرورش مصوب ۱۹۶۰؛ این کنوانسیون اولین سند بین‌المللی یونسکو است که در سطح بین‌المللی قدرت الزام‌آور دارد. هدف کنوانسیون مذکور، همکاری به منظور رفع تبعیض در آموزش و ارتقای برابری در فرصت‌ها و رفتار برابر با تمامی افراد در آموزش است. این کنوانسیون همه اشکال و سطوح آموزش از جمله دسترسی به آموزش، استاندارد و کیفیت آموزشی و شرایطی را که آموزش ارائه می‌شود، جزء حق بر آموزش می‌داند (حبیبی مجنده، ۱۳۹۱: ۵). بند ۱ ماده ۱ کنوانسیون، تبعیض در آموزش را این‌گونه تعریف کرده است: «هرگونه تمایز، محرومیت یا ترجیح براساس نژاد، رنگ جنس، زبان، مذهب، سیاسی یا هر عقیده دیگر، منشأ ملی یا اجتماعی، وضعیت اقتصادی یا شرایط تولد»؛ و در شق اول بند ۱ تبعیض در آموزش را «محروم کردن فرد یا گروهی از افراد از هر نوع یا هر سطح آموزش» قلمداد کرده است. از این‌رو از رهگذر شق اول بند ۱ ماده ۱ این کنوانسیون و همچنین مطابق ماده ۳ که بیان می‌دارد: به منظور از بین بردن و جلوگیری از تبعیض کشورهای عضو متعهد می‌شوند به لغو هرگونه مقررات قانونی و هرگونه دستورالعمل اداری و قطع هرگونه عملکرد اداری که شامل تبعیض در آموزش باشد جلوگیری کنند. می‌توان به این نکته اشاره کرد که محکومان نیز، به‌عنوان گروهی از جامعه می‌بایست بدون هرگونه تبعیض به حق آموزش دسترسی داشته باشند. همچنین در ماده ۹ مقرر شده است که «هیچ قید و شرطی برای این کنوانسیون مجاز نیست». بر این اساس ایران که عضو این کمیسیون است، مجاز نیست هیچ قید و شرطی مخالف مفاد کنوانسیون در نظر بگیرد (حسینی دره صوفی، ۱۳۹۸: ۵۳). میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶؛ این میثاق مهم‌ترین سند بین‌المللی در زمینه تبیین حق آموزش است که در ماده ۱۳ بیان می‌دارد: «دولت‌های عضو این میثاق حق هر فرد جهت برخورداری از آموزش را به رسمیت می‌شناسند. آنها می‌پذیرند که آموزش باید در جهت توسعه کامل شخصیت و کرامت انسان و احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی تقویت و هدایت شود» (Dieter Beiter, 2005: 94). از رهگذر ماده ۱۳ میثاق مذکور که دولت‌ها را موظف به رسمیت شناختن حق آموزش هر فرد در جامعه می‌داند، تفسیر عام شماره ۱۳ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل

2. Protocol 1 to the European Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms 20 March 1952

3. European Social Charter 18 October 1961

4. African Charter on Human and Peoples Rights (Banjul Charter) 27 June 1981

5. Convention Against Discrimination in Education 14 December 1960

۶. تبعیض به هرگونه فرق‌گذاری، محرومیت، محدودیت یا ترجیح براساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقاید سیاسی یا سایر عقاید، اصالت ملی یا اجتماعی، شرایط اقتصادی یا تولد اطلاق می‌شود که هدف یا پیامد آن، لغو یا تضعیف برخورد برابر در آموزش باشد (بیگی، ۱۳۹۸: ۶).

7. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (ICESCR) 16 December 1966

متحد نیز بر اهمیت این مطلب دلالت دارد. از این رو، دولت‌ها موظف به به رسمیت شناختن حق آموزش محکومان به عنوان عضوی از افراد جامعه نیز هستند. این ماده که متن نسبتاً مفصلی دارد، همانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، کلیه سطوح و اشکال آموزش اعم از آموزش ابتدایی و عالی را بیان می‌کند (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۸: ۳۰۷). اعلامیه جهانی آموزش برای همه مصوب ۱۹۹۰: اعلامیه مذکور را پنج سازمان بین‌المللی یونسکو، یونیسف، صندوق جمعیت سازمان ملل، بانک جهانی و برنامه عمران ملل متحد در جامتین تایلند مورد پذیرش قرار دادند (مگنوسون واتر دال و توماس هاس چایلد، ۲۰۱۰: ۲۲). این اعلامیه ضمن شناسایی حق آموزش و تحصیل مطابق بند ۱ ماده ۱ به «برخورداری هر فرد اعم از کودک، جوان و بزرگسال از فرصت‌های آموزشی جهت برآورده ساختن نیازهای آموزشی اساسی آنها»؛ و در بند ۵ «به برآورده کردن نیازهای آموزشی اساسی برای همگان» اشاره دارد (بیگی، ۱۳۹۸: ۸). از این رو محکومان نیز به عنوان عضو جامعه حق بهره‌مندی از آموزش را دارند. اعلامیه حقوق بشر اسلامی مصوب ۱۹۹۰: به موجب ماده ۹ این اعلامیه طلب علم یک فریضه است و آموزش امری واجب است بر جامعه و بر دولت لازم است که راه‌ها و وسایل آن را فراهم سازد و متنوع بودن آن را به گونه‌ای که مصلحت جامعه را برآورد، تأمین کند و به انسان فرصت دهد که نسبت به دین اسلام و حقایق هستی معرفت حاصل کند و آن را برای خیر بشریت به کار گیرد (بیگی، ۱۳۸۸: ۳۴۸). ملاحظه می‌شود که در پرتو ماده ۹ اعلامیه مذکور علم‌آموزی را امری واجب شمرده و دولت‌ها را موظف به تأمین راه‌ها و وسایل دسترسی به آن کرده است. از این رو، دولت‌ها باید امکان دسترسی محکومان به حق آموزش را به عنوان عضوی از جامعه بشری تأمین کنند. کنوانسیون منع و مجازات جنایت آپارتاید مصوب ۱۹۷۳: به موجب ماده ۱ این کنوانسیون «کشورهای طرف این کنوانسیون اعلام می‌دارند که آپارتاید جنایتی علیه بشریت است و اعمال غیرانسانی که ناشی از سیاست‌ها و رویه‌های آپارتاید و نیز سیاست‌ها و

۱. بر پایه تفسیر عام شماره ۱۳ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مورد حق بر آموزش (بیست و یکمین جلسه، ۱۹۹۹، E/C.12/1999/10) بیان می‌دارد: «آموزش و پرورش هم یک حقوق انسانی است و هم یک وسیله ضروری برای تحقق سایر حقوق بشر. به عنوان یک حق توانمندسازی، آموزش وسیله اصلی است که با استفاده از آن، بزرگسالان و فرزندان حاشیه اقتصادی و اجتماعی می‌توانند خود را از فقر برهانند و وسیله‌ای برای مشارکت کامل در اجتماعات خود به دست آورند. آموزش نقش مهمی در توانمندسازی زنان، مصون ماندن کودکان از کارگری خطرناک سوءاستفاده خطرناک، ترویج حقوق بشر و دموکراسی، محافظت از محیط زیست و کنترل رشد جمعیت دارد. به طور فزاینده‌ای، آموزش و پرورش یکی از بهترین سرمایه‌گذاری‌های است که کشورها می‌توانند انجام دهند، شناخته شده است؛ اما اهمیت آموزش فقط عملی نیست. یک ذهن تحصیل کرده، روشنفکر و فعال که بتواند آزادانه و گسترده باشد همچنین یکی از شادی‌ها و پاداش‌های موجودیت بشری است...».

2. World Declaration of Education for All 5-9 March 1990

3. Cairo Declaration on Human Rights in Islam (CDHRI) 5 August 1990

3. International Convention on the Suppression and Punishment of the Crime of Apartheid 30 November 1973

روش‌های مشابه جدایی نژادی و تبعیض به ترتیبی که در ماده ۲ این کنوانسیون تعریف شده است...» و به موجب بند «ج» ماده ۲ «هرگونه اقدامات قانونی و یا اقدامات دیگر که منظور از آنها بازداشتن گروه و یا گروه‌هایی از مشارکت در زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور، ایجاد تعمدی شرایطی جهت جلوگیری از توسعه چنین گروه یا گروه‌هایی به خصوص با محروم کردن اعضای یک گروه یا گروه‌های نژادی از حقوق بشر و آزادی‌های شامل حق کار، حق تشکیل اتحادیه‌های کارگری مجاز، حق تحصیل و...» باشد. بدین ترتیب حمایت از حق بر آموزش و ممنوعیت عدم تبعیض تا آستانه جرم‌انگاری بین‌المللی نیز پیش رفته است. به موجب این کنوانسیون و در کنار مقررات اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی در صورتی که کسی مرتکب آپارتاید در امر آموزش شود نیز از نگاه حقوق کیفری بین‌المللی و به موجب اساسنامه دیوان و نیز در محاکم داخلی با استناد به اصل صلاحیت جهانی قابل پیگرد خواهد بود (نیاورانی، ۱۳۸۹: ۴۲۶).

همچنین در راستای معرفی اسناد بین‌المللی خاص ناظر بر حق آموزش محکومان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. مجموعه قواعد سازمان ملل متحد در خصوص حداقل رفتار با زندانیان به منظور مبارزه با جرم و چگونگی رفتار با زندانیان مصوب ۱۹۵۵؛ با توجه به نگرانی دیرینه سازمان ملل متحد در مورد انسانی‌سازی عدالت کیفری و حمایت از حقوق بشر با تأکید بر اهمیت اساسی حقوق بشر در عدالت کیفری و پیشگیری از جرم حداقل استانداردهای جهانی برای رفتار با زندانیان تصویب شده است. مقررات حداقل استاندارد سازمان ملل در مورد رفتار با زندانیان در اولین کنفرانس سازمان ملل متحد در زمینه پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمان که در سال ۱۹۵۵ در ژنو برگزار شد، به تصویب رسید و توسط شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل طی قطعنامه 663C (XXIV) ژوئیه ۱۹۵۷ و قطعنامه ۲۰۷۶ (LXII) مورخه ۱۳ می ۱۹۷۷ تأیید شد که مطابق قاعده ۷۷ بند ۱ بیان می‌دارد: «تمهیداتی باید اندیشیده شود تا آموزش زندانیانی که قادر به استفاده از آموزش هستند، توسعه یابد. از جمله آموزش‌های مذهبی، در کشورهایی که این نوع آموزش امکان‌پذیر است. آموزش بی‌سوادان و زندانیان جوان باید اجباری باشد و اداره زندان نظارت دقیقی بر آن اعمال کند». همچنین به موجب بند ۲ «حتی‌الامکان، آموزش زندانیان باید با نظام آموزشی کشور هماهنگ باشد تا آنان بتوانند تحصیلات خود را پس از آزادی بدون هیچ مشکلی ادامه دهند». همچنین کمیسیون پیشگیری از وقوع جرم و عدالت کیفری^۱ به‌عنوان نهاد و کمیته ارزیابی این قوانین شناخته می‌شود. از همین رو، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در سال ۲۰۱۰، از کمیسیون مزبور درخواست کرد که یک گروه کارآزموده بین‌دولتی آزاد و متشکل برای تبادل اطلاعات در مورد تجدیدنظر در این قواعد ایجاد کند تا آنها منعکس‌کننده پیشرفت‌ها در علوم اصلاح و بهترین شیوه‌ها باشند. مشروط بر اینکه هرگونه تغییر در قوانین به پایین آمدن

1. Standard Minimum Rules for the Treatment of Prisoners (SMR) 30 August 1955

2. Commission on Crime Prevention and Criminal Justice (CCPCJ)

استانداردهای موجود منجر نشود. مجمع عمومی در سال ۲۰۱۱، یک گروه کارآزموده بین‌دولتی ایجاد کرد و نهادهای مربوط به سازمان ملل متحد، سایر سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و همچنین جامعه مدنی برای مشارکت در این روند دعوت شدند و به‌عنوان سرپرست قوانین حداقل استاندارد، دبیرخانه دفتر مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد^۱ نیز روند تجدیدنظر را از نزدیک همراهی کرد. کارگروه در چهارمین جلسه خود که در مارس ۲۰۱۵ در کیپ‌تاون، آفریقای جنوبی برگزار شد، در مورد کلیه قوانینی که برای تجدیدنظر باز شده بودند، به اجماع رسیدند و در ماه مه ۲۰۱۵، کمیسیون پیشگیری از وقوع جرم و عدالت کیفری قوانین اصلاح‌شده را تأیید کرد و برای تصویب در شورای اقتصادی و اجتماعی مطرح کرد و پس از تصویب آن به مجمع عمومی ارسال شد. در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۵، نسخه اصلاح‌شده از حداقل قوانین استاندارد به اتفاق آرا توسط هفتادمین جلسه مجمع عمومی سازمان ملل در قطعنامه A/RES/70/175 به تصویب رسید (McCrie, Clemot, 2015: 48). این قوانین اصلاح‌شده به‌عنوان «قوانین نلسون ماندلا» به‌منظور احترام به رئیس‌جمهور فقید آفریقای جنوبی، نلسون رولیهلا ماندلا شناخته می‌شود که سال‌های زیادی از عمر خود را در زندان گذراند. البته در قوانین جدید مطابق قاعده ۷۷ با متن مشابه در ماده ۱۰۴ و در ۲ بند ذکر شده است. این قواعد در سراسر جهان به‌عنوان منبع قانونگذاری ملی مربوط و همچنین راهنمایی‌های عملی برای مدیریت زندان از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. اگرچه از نظر قانونی الزام‌آور نیست، دستورالعمل‌هایی را برای قوانین بین‌المللی و داخلی شهروندان زندانی ارائه می‌دهند. اصل اساسی که در این استاندارد توضیح داده شده و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، این است که نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقاید سیاسی یا عقاید دیگر، منشأ ملی یا اجتماعی، دارایی، تولد یا وضعیت دیگر، هیچ تبعیضی را در بر نخواهد داشت. مجموعه قواعد سازمان ملل متحد در زمینه عدالت کیفری کودکان و نوجوانان مصوب ۱۹۸۵^۲: نویسندگان این سند در کنار توجه به ویژگی‌های پیش‌گفته، به حق کودکان زندانی بر آموزش و پرورش و تهیه امکانات مساوی برای کودکان پسر و دختر مشمول تدابیر سلب‌کننده آزادی در این زمینه اشاره داشته‌اند. مطابق بند ۴ ماده مذکور: «بزهکاران نوجوان مؤنث نباید مراقبت، کمک و امکانات آموزشی کمتر از بزهکاران نوجوان مذکر دریافت نمایند...». پس بر پایه این بند به دولت‌ها توصیه شده است تا برای کلیه بزهکاران نوجوان به‌صورت یکسان و بدون تفاوت‌گذاری امکانات تحصیل این دسته فراهم شود. بدیهی است در پرتو این سند، برابری بزهکاران کودک در بهره‌مندی از تدابیر آموزش و پرورش از سازوکارهای مهم دستیابی به هدف‌های بازپرورانه نظام عدالت کیفری معرفی شده است (نیازپور، ۱۳۹۴: ۲۴). مجموعه قواعد

1. United Nations Office on Drugs and Crime (UNODC)

2. Economic and Social Council (ECOSOC)

3. Nelson Rolihlahla Mandela.

4. The United Nations Standard Minimum Rules for The Administration of Juvenile Justice (The Beijing Rules) 29 November 1985

سازمان ملل متحد برای حمایت از نوجوانانی که از آزادی محروم شده‌اند مصوب ۱۹۹۰؛ حق آموزش و پرورش کودکان زندانی باید به صورت هدفمند به اجرا درآید؛ یعنی اینکه تحصیل این دسته از بزهکاران باید با اصول و شیوه‌های نظام آموزش و پرورش هماهنگ باشد تا به این وسیله کودکان و نوجوانان بزهکار پس از رها شدن از زندان بتوانند به ادامه تحصیل مبادرت ورزند. ماده ۳۸ سند مذکور در این خصوص مقرر کرده است: «... آموزش‌ها باید در صورت امکان بیرون از بازداشتگاه‌ها و در مدرسه‌ها انجام پذیرد. به هر رو، مدرسه باید دارای معلمان صلاحیت‌دار باشند. به گونه‌ای که بتوانند پس از آزادی به تحصیلات خود ادامه دهند...». به این ترتیب، ملاحظه می‌شود که آموزش و پرورش محکومان (خواه بزرگسال و خواه کودک) در عرصه سیاست جنایی بین‌المللی به عنوان حق بنیادی برای این دسته از بزهکاران شناسایی شده است (نیازپور، ۱۳۹۴: ۲۵). اعلامیه اصول اساسی رفتار با زندانیان مصوب ۱۹۹۰؛ ماده ۶ این اعلامیه نیز که به لحاظ نقش برجسته آن در ارتقای شخصیت زندانیان به طور جداگانه مورد تأکید قرار گرفته و مقرر شده است: «تمامی زندانیان باید حق شرکت در فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی که هدفش توسعه کامل شخصیت انسان است را داشته باشند». از این رو از رهگذر ماده ۶ این اعلامیه که به حق شرکت تمامی زندانیان در فعالیت‌های آموزشی اشاره شده است، می‌توان اذعان کرد که حق آموزش محکومان به رسمیت شناخته شده است. کنوانسیون بین‌المللی رفع هرگونه تبعیض نژادی مصوب ۱۹۶۵؛ از جمله موارد در کنوانسیون مذکور در زمینه حق آموزش «از جمله محکومان» از رهگذر بند «ه» ماده ۵ به «حق برخورداری از ... حق تحصیل و کارآموزی حرفه‌ای و شرکت در فعالیت‌های فرهنگی و ...» می‌توان اشاره کرد. انجمن اروپایی آموزش در زندان؛ این انجمن در سال ۱۹۹۱ در شهر برخن هلند پایه‌گذاری شد. بنیانگذاری این انجمن دو سال پس از کار در مورد ایده‌ای که در کنفرانس بین‌المللی «آموزش در زندان» در آکسفورد ۱۹۸۹ مطرح شده بود، اتفاق افتاد. این ایده پیشنهاد استقرار سازمانی برای تحقق اهداف گزارش شورای اروپا در خصوص آموزش در زندان‌ها بود. این انجمن یکی از اعضای کمیته رابط سازمان‌های غیردولتی شورای اروپا و بزرگ‌ترین انجمن آموزش در زندان است. همچنین مؤسسه راینسرتا در مکزیک از بزرگ‌ترین مؤسسات در زمینه آموزش در زندان‌هاست که در راستای آموزش کودکان در زندان‌ها و اصلاح و تربیت محکومان فعالیت می‌کند. با توجه به اسناد بین‌المللی که به صورت عام و خاص بر حق آموزش و اهمیت آن تأکید دارند، مغایرت لایحه الحاقی در این خصوص مسلم است.

1. United Nations Rules for the Protection of Juveniles Deprived of their Liberty 14 December 1990
2. Basic Principles for the Treatment of Prisoners 14 December 1990
3. International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination (ICERD) 21 December 1965
4. European Prison Education Association (EPEA)
5. Reinserta

مباینت لایحه با مقررات داخلی ناظر بر بهره‌مندی محکومان از حق آموزش

واقعیت‌ها نشان از نیاز جوامع به مکان‌هایی دارد که بتوانند برای مدتی افراد ناسازگار و ناهنجار را جدا از جامعه نگه‌دارند و تمهیداتی بیندیشند که آنان اصلاح شوند و به جامعه بازگردند. از طرفی می‌دانیم که حقوق بنیادین بشر هیچ‌گونه حد و مرزی همچون زندان نمی‌شناسد (بیگی و تیموری، ۱۳۹۹: ۹۸). حق برخورداری از آموزش و پرورش در کنار کارکرد حقوق بشری از کارکرد پیشگیرانه نیز برخوردار است، زیرا بهره‌مندی از این حق انسان‌ها را با آموزه‌های علمی و معیارهای پرورشی و تربیتی آشنا می‌کند. همین قابلیت حق مذکور سبب شده تا سیاستگذاران جنایی از آن به‌عنوان سازوکاری برای پیشگیری از بزهکاری بهره‌گیرند (نیازپور، ۱۳۹۱: ۸۷). آموزش و پرورش در قالب آموزش عمومی نقش بسزایی در بازسازی مجرمان، جایگزین ساختن ارزش‌ها و هنجارهای متناسب با تحولات اجتماعی و بهبود سطح زندگی افراد در زندگی جمعی ایفا می‌کند. اجرای برنامه‌های آموزشی و پرورشی تأثیرات مطلوب و ماندگاری بر ویژگی‌های اخلاقی، فردی و اجتماعی مجرمان می‌گذارد و رفتارهای ناهنجار آنها را تعدیل می‌کند (Miceli, 2009: 5). پژوهش‌های مختلف بر نقش و تأثیر آموزش‌های اصلاحی در قالب انواع برنامه‌های علمی، فنی و حرفه‌ای و مهارت‌افزایی به‌منظور پیشگیری از تکرار جرم و بازپروری بزهکاران تأکید کرده‌اند. مطابق یافته‌های ویلسون، آن دسته از زندانیانی که اقدام به شرکت در برنامه‌های آموزشی و تربیتی زندان کرده‌اند، دارای نرخ تکرار جرم کمتری نسبت به گروه دیگر که در برنامه‌های مذکور شرکت نکرده‌اند، هستند (Wilson et al., 1999: 18).

در راستای معرفی مقررات داخلی عام ناظر بر بهره‌مندی محکومان از حق آموزش می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸: حق‌های اساسی به‌عنوان حقوقی که در قوانین اساسی بیان می‌شوند و با آزادی‌های عمومی شهروندان ارتباط دارند، اهمیت بسیاری دارند (حبیب‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۱). مقررات اصل ۳۰ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد». به موازات این اصول، بند ۱ اصل ۴۳ نیز «آموزش و پرورش» را جزء نیازهای اساسی بشر محسوب کرده و تأمین آن را از ضوابط اقتصاد ایران دانسته است. مطابق نظریات تفسیری و مشورתי شورای نگهبان در خصوص اصل ۳۰ قانون اساسی و بعضی اصول مشابه آن مسیر سیاست کلی نظام را تعیین می‌کند و مقصود این است که دولت امکاناتی را که در اختیار دارد، در کل رشته‌هایی که در قانون اساسی پیشنهاد شده است، به‌طور متعادل طبق قانون توزیع کند (فتحی، ۱۳۹۳: ۹). همچنین در اصل ۳۰ قانون اساسی دولت مکلف شده تا وسایل

۱. لایحه الحاق یک تبصره به ماده ۵ قانون سنجش و پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور.

آموزش و پرورش رایگان را «برای همه ملت» فراهم سازد؛ اما گفتنی است در خصوص تکلیف دولت در مورد گسترش وسایل آموزش عالی، قید «همه ملت» ذکر نشده است. این امر می‌تواند موجب این سوء برداشت از اصل ۳۰ شود که این اصل درصدد بیان این نکته است که به سبب عدم تکرار قید همه ملت در رابطه با آموزش عالی، دولت مکلف به تأمین وسایل آموزش عالی برای تمامی افراد نیست و می‌تواند خود را در قبال برخی افراد به بهانه‌های سیاسی یا مذهبی و ... متعهد نداند و از فراهم کردن وسایل و امکانات مربوط به تحصیلات عالی امتناع و استنکاف کند؛ اما به نظر می‌رسد که فراهم آوردن امکان ادامه تحصیل برای چنین افرادی نه تنها ضرر و زیانی برای دولت و نظام جمهوری اسلامی ندارد، بلکه منافی را نیز در بردارد. از جمله این منافع، عمل به قانون و قانون‌گرایی است که نزد عقلای بشری به عنوان منفعتی شناخته شده است که خود می‌تواند منشأ آثار و منافع دیگری باشد. در این زمینه گفتنی است از آنجا که اصل ۳۰ قانون اساسی در فصل سوم قانون اساسی که مربوط به بیان حقوق ملت است جای گرفته، بنابراین لزومی ندارد که در تک‌تک اصول گنجانده شده در این فصل، به تعلق این حقوق به همه افراد ملت تصریح شود. بنابراین، هرچند در موضوع وظیفه دولت نسبت به فراهم ساختن وسایل و امکانات الزام به منظور تحصیل در مقاطع مختلف آموزش عالی عبارت «همه ملت» آورده نشده است، اما هیچ‌کس و به هیچ بهانه‌ای از جمله لزوم برخورداری از صلاحیت علمی و عمومی برای تحصیل در دانشگاه و با استناد به عدم ذکر عبارت «همه ملت» در مورد آموزش عالی، نمی‌تواند دولت را از انجام این وظیفه معاف بداند. علاوه بر این، می‌توان با استفاده از بسیاری از اصول قانون اساسی، حق همه افراد را در دستیابی به تحصیل در مقاطع آموزش عالی اثبات کرد (تقی‌زاده، ۱۳۹۵: ۳۱). همچنین با توجه به این نکته که در اصول ۳، ۲۰ و ۳۰ قانون اساسی مبنی بر رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه افراد اشاره شده است، تساوی در برخورداری از حقوق انسانی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و نیز فراهم کردن وسایل تحصیلات عالی برای محکومان باید بدون تبعیض در دسترس باشد. منشور حقوق شهروندی مصوب ۱۳۹۵: حقوق شهروندی مجموعه حقوق و امتیازاتی است که به کلیه افرادی که در یک جامعه تحت حاکمیت یک حکومت قرار می‌گیرند اعطا می‌شود (رستمی تبریزی، ۱۳۹۵: ۷). این منشور که با هدف استیفا و ارتقای حقوق شهروندی و به منظور تدوین «برنامه و خط‌مشی دولت» موضوع اصل ۱۳۴ قانون اساسی در آذرماه ۱۳۹۵ توسط ریاست جمهوری ابلاغ شد که شامل مجموعه‌ای از حقوق شهروندی است که یا در منابع نظام حقوقی ایران شناسایی شده‌اند یا دولت برای شناسایی، ایجاد، تحقق و اجرای آنها از طریق اصلاح و توسعه نظام حقوقی و تدوین و پیگیری تصویب لوایح قانونی یا هرگونه تدبیر یا اقدام قانونی لازم تلاش جدی و فراگیر را معمول خواهد داشت. با توجه به اینکه در مواد ۱۰۴ تا ۱۱۱ این منشور به صورت عام و در ماده ۶۴ به طور خاص بر حق آموزش اشاره شده است و اینکه لایحه مورد

اشاره در پژوهش حاضر و همچنین منشور حقوق شهروندی هر دو توسط یک نهاد تصویب شده‌اند، در اینجا این سؤال به ذهن متبادر می‌شود که آیا نهاد از دریچه واحدی سخن می‌گوید؟ با توجه به مطالب گفته‌شده مستفاد می‌شود که دولت در این زمینه واجد یکپارچگی نیست و در حقیقت لایحه مذکور نقض حقوق شهروندی را نیز شامل می‌شود. چنانکه به موجب ماده ۶۴ این منشور بیان می‌دارد که: «بازداشت‌شدگان، محکومان و زندانیان حق دارند که از حقوق شهروندی مربوط به خود از قبیل خدمات آموزشی و فرهنگی بهره‌مند باشند». ملاحظه می‌شود که در پرتو ماده ۶۴ این منشور به‌صراحت بر حق بهره‌مندی محکومان از آموزش اشاره شده است. همچنین در ماده ۶۶ بیان شده است: «حق همه بازداشت‌شدگان موقت و محکومان است که پس از پایان بازداشت یا اجرای حکم به زندگی شرافتمندانه خود بازگردند و از همه حقوق شهروندی به‌ویژه اشتغال به کار برخوردار شوند. محرومیت اجتماعی هر محکوم جز در موارد مصرح قانونی و در حدود و زمان تعیین‌شده ممنوع است». قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: حقوق اجتماعی عبارت است از حقوقی که قانونگذار برای اتباع کشور به رسمیت شناخته است و فرد آن را در ارتباط با مصالح عمومی جامعه و حاکمیت سیاسی دولت، اعمال می‌کند. این مجازات با مزایای اجتماعی و سیاسی افراد و حقوق و آزادی‌های مشروع و قانونی شهروندان سروکار دارد و در مواردی این حقوق و آزادی‌ها را محدود یا شخص محکوم را از آن محروم می‌کند. از این‌رو، شناخت مفهوم و مصادیق حقوق اجتماعی و ارائه ضابطه دقیق در این میان، ضرورت می‌نماید تا مبدا حقوق و آزادی‌های شروع افراد جامعه به‌ویژه محکومان، بی‌سبب و بدون ضابطه مشخص قانونی، تضییع شود (دانش‌پژوه، ۱۳۷۸: ۱۸۲). حقوق اجتماعی به‌عنوان جلوه‌های بنیادین از حقوق بشر دربرگیرنده آن دسته از حقوق انسان‌هاست که به‌منظور برابری اجتماعی و اقتصادی و در نتیجه رفع بی‌عدالتی‌های ناشی از شرایط اجتماعی و اقتصادی جوامع شناسایی شده است (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۶: ۱۳۵). لایحه مذکور که در جهت وضع حکمی برای ایجاد محرومیت از آموزش برای افراد دارای سابقه محکومیت کیفری قطعی در جرائم سازمان‌یافته، قاچاق انسان محاربه و جاسوسی است و با توجه به اینکه محرومیت از آموزش اساساً جزء مصادیق محرومیت از حقوق اجتماعی مندرج در ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی محسوب نمی‌شود، از این‌رو هیچ شخصی را نمی‌توان از حق آموزش به‌عنوان مجازات تبعی محروم کرد.

همچنین در راستای معرفی مقررات داخلی خاص ناظر بر حق آموزش محکومان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. اساسنامه انجمن حمایت از زندانیان مصوب ۱۳۶۰: اهداف انجمن حمایت از زندانیان حول محور کمک به زندانیان و خانواده‌های آنان و نوپرووری و اصلاح زندانیان و همکاری با زندان‌ها و مؤسسات تأمینی و تربیتی و مراکز مراقبت بعد از خروج زندانیان تعریف شده است (داودیان، ۱۳۹۵: ۱۱۲). از همین رو برای مرتبه نخست و از رهگذر بند «ز» ماده ۱۷

«مساعدت در سوادآموزی، حرفه‌آموزی، ورزش، تبلیغات فرهنگی و دینی» را به رسمیت شناخته‌اند (نیازپور، ۱۳۹۴: ۲۷). آیین‌نامه مرکز مراقبت بعد از خروج زندانیان مصوب ۱۳۷۸: به موجب بندهای «الف» و «ب» ماده ۳ آیین‌نامه مرکز مراقبت بعد از خروج بر آموزش و پرورش بزهکاران در بستر پاسخ‌های سلب‌کننده آزادی تأکید شده است. مطابق این بندها «ایجاد زمینه لازم جهت کارآموزی، اشتغال، ازدواج، ادامه تحصیل، تأمین مسکن، اعطای تسهیلات وام بانکی و نظایر آن برای مددجویان» (الف) و «ارائه خدمات به مددجویان در امور آموزش، بهداشت و درمان، اجتماعی و حقوقی، فرهنگی و مذهبی و ...» (ب) از برجسته‌ترین وظایف مرکز مراقبت پس از خروج بزهکاران از زندان معرفی شده است تا به واسطه این اقدام‌ها مجرمان مشمول تدابیر سلب‌کننده آزادی امکان دسترسی به حق‌های بنیادی از جمله آموزش و پرورش را بیابند (نیازپور، ۱۳۹۴: ۲۷). آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴: اهمیت آموزش به‌حدی است که دولت برای اصلاح شخصیت مجرمان و بازگرداندن آنان به زندگی شرافتمندانه تلاش می‌کند با گسترش آموزش و پرورش در زندان‌ها و مؤسسات وابسته گامی برای اصلاح بزهکاران برداشته شود، بهترین مستند این ادعا مواد ۱۸، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۴۰، ۱۴۱ و ۱۴۳ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور است. ماده ۱۳۷ آیین‌نامه مذکور مقرر داشته است: «محکومان در مدت اقامت خود در مؤسسه یا زندان با توجه به مدت محکومیتشان و کیفیت و نوع برنامه‌های آموزشی، علمی، دینی، فنی و حرفه‌ای پیش‌بینی‌شده در زندان‌ها به فراگیری سواد و ادامه تحصیلات علمی، دینی و حرفه‌ای اشتغال خواهند داشت». ملاحظه می‌شود که سیاستگذاران جنایی در قوانین راجع به زندانیان بر حق ادامه تحصیل اهتمام ورزیده‌اند و اجرای این حق در را در ایام حبس برای بازپروری زندانیان ضروری انگاشته‌اند تا با این تدبیر زمینه مساعد برای آماده‌سازی فرد برای برگشت به جامعه فراهم شود. حال با این شرایط منع از تحصیل زندانیان و افراد محکوم حتی در مقاطع بالای تحصیلی برخلاف اصول و قوانین و مقررات وضع‌شده در زمینه زندانیان است و اساس بازپروری مجرمان را زیر سؤال می‌برد. دستورالعمل نحوه تأسیس واحدهای حمایت از حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۵: ماده ۳ این دستورالعمل بیان می‌دارد که حقوق شهروندی زندانیان عبارت است از رفتار اسلامی و انسانی با زندانیان و رعایت و حفظ آن دسته از حقوقی که در آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها به آن اشاره شده است. از قبیل: «... ه) ... فراگیری سواد، ادامه تحصیلات علمی، دینی، حرفه‌ای، انجام مطالعات دانشگاهی، فنی و حرفه‌ای و تحقیقاتی ...». از این رو، ملاحظه می‌شود که در دستورالعمل مذکور حق آموزش محکومان و انجام مطالعات دانشگاهی جزء حقوق شهروندی آنان دانسته شده است. بی‌شک آگاهی افراد جامعه از حقوق و تکالیف خود نخستین گام برای ایجاد نظم و امنیت پایدار اجتماعی است. حق و تکلیف دو روی سکه‌اند، همه ما در مقابل اجتماعی که در آن زندگی

می‌کنیم، تکالیفی بر عهده داریم، پایبندی به قوانین اجتماعی، احترام به مقام‌های دولتی و رعایت حقوقی که به موجب قانون برای دیگران به رسمیت شناخته شده است. در صورتی که به‌طور دقیق از حقوق واقعی خود مطلع باشیم و نیز چنانچه با احترام به روح و مفاد قوانین و قواعد اجتماعی به تکالیفی که بر دوش داریم با دیدی مسئولانه نگاه کنیم، به‌طور حتم راه را برای بروز بسیاری از مشکلات و معضلات اجتماعی بسته‌ایم. با توجه به اینکه در مقررات داخلی در اسناد بالادستی و قوانین خاص در خصوص اهمیت حق بر آموزش اشاره شده است، مغایرت لایحه الحاقی نیز مسلم است.

نتیجه‌گیری

نظام‌های حکمرانی و مدیریتی هرگز نباید برخوردارشان با انسان بر مبنای بر حق بودن یا ناحق بودن آنها باشد. برخورد نظام‌های حکمرانی باید همان‌طور که قرآن کریم می‌فرماید، صرفاً بر اساس کرامت ذاتی و براساس انسان بودن انسان باشد و هیچ معیار دیگری برای برخورداری از حق‌ها و آزادی‌ها نباید مورد توجه قرار گیرد. با توجه به اینکه لایحه مورد بحث در جهت وضع حکمی برای محرومیت از ادامه تحصیل در مقاطع آموزش عالی برای افراد دارای سابقه محکومیت کیفری قطعی در جرائم سازمان‌یافته قاچاق انسان، محاربه و جاسوسی است، از این‌رو نتایج و یافته‌های این پژوهش حاکی از این است که حق بر آموزش حق طبیعی و ذاتی انسانی محسوب می‌شود که سبب رشد شخصیت و به کمال رسیدن انسان می‌شود و استعدادها بالقوه انسان را به سوی هدف مشخص به فعلیت می‌رساند و اصل قبول شده در اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی کشور ماست. از آنجا که حق بر آموزش در زمره حق داشتن‌هاست نه در زمره بر حق بودن‌ها، حق بر آموزش مؤید آزادی شهروندان در ترسیم آینده خویش است. آزادی شهروندان در عرصه آموزش و پرورش دقیقاً از مؤلفه‌های شناسایی و تضمین حق بر آموزش است؛ یعنی در جامعه و در نظام حکمرانی که حق بر آموزش به‌صورت تمام‌عیار شناسایی و تضمین شده است، همه شهروندان بدون هیچ‌گونه تبعیض و تمایزی می‌توانند بر حق آموزش دسترسی پیدا کنند. از این‌رو، نمی‌توان چنین محرومیتی را که مابین کلی با اسناد بین‌المللی و مقررات داخلی دارد، برای محکومان قائل شد. از سوی دیگر، با توجه به تعریف مجازات‌های تبعی و احصا کردن انواع محرومیت‌ها از حقوق اجتماعی در قانون مجازات اسلامی و اینکه سلب حق آموزش در مقاطع تحصیلات تکمیلی به‌عنوان مجازات تبعی ذکر نشده است، از این‌رو قرار دادن این بند در کنار مجازات تبعی موجب نقض حقوق انسانی محکومان می‌شود و اصولاً نمی‌توان محرومیت از حق آموزش را بر فرد محکوم به‌عنوان مجازات تبعی در نظر گرفت، چون در آن صورت این خود مجازاتی مضاعف و ناعادلانه است. از این‌رو مقنن محترم به‌منظور تلفیق

فضای کیفری و همسو کردن لوایح با مقررات داخلی و اسناد بین‌المللی در تصویب و تنسيق لایحه مذکور ایرادهای مطرح‌شده را باید مورد توجه قرار دهد. پیشنهاد می‌شود آن قسمت از ماده‌واحد را که به محرومیت از حق تحصیل محکومان در مقاطع تحصیلات تکمیلی اشاره کرده است، حذف کند و به‌جای آن پیشنهاد اصلاحیه دال بر بهره‌مندی همه محکومان از حق تحصیل در تمام مقاطع تحصیلی ارائه شود، چراکه به تعبیر نلسون ماندلا هیچ‌کس واقعاً ملتی را نمی‌شناسد تا زمانی که در زندان‌هایش باشد؛ یک ملت نباید با نحوه برخورد با بالاترین شهروندان، بلکه باید با پایین‌ترین شهروندان، قضاوت شود.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۷)، *حقوق جزای عمومی*، ج ۳، چ پانزدهم، تهران: میزان.
۲. انصاری، باقر (۱۳۹۳)، *حق آموزش: حق کودک به آموزش در نظام بین‌المللی حقوق بشر*، چ اول، تهران: شهر دانش.
۳. ایده، آسبیرون؛ کراوزه، کاتارینا؛ روساس، الن (۱۳۹۱)، *حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی*، ترجمه اردشیر امیرارجمند و گروه مترجمان، چ دوم، تهران: مجد.
۴. بیگی، جمال (۱۳۸۸)، *بزه‌دیدگی اطفال در حقوق ایران*، چ دوم، تهران: میزان.
۵. تقی‌زاده، احمد (۱۳۹۵)، *سلسله جلسات بازخوانی مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی سال ۱۳۵۸ (بررسی اصل سی‌ام موضوع جلسه سی‌ام مشروح مذاکرات)*، انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان، شماره مسلسل ۱۳۹۵۰۰۵۵.
۶. حاتمی، مهدی؛ زاهدی گلوگاهی، منیره (۱۳۹۲)، *حق بر آموزش و تعهدات دولت‌ها*، چ اول، تهران: خرسندی.
۷. دانش، تاج زمان (۱۳۷۶)، *حقوق زندانیان و علم زندان‌ها*، چ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۸. داودیان، احسان (۱۳۹۵)، *حقوق زندانی در ایران و اسناد بین‌المللی*، چ اول، تهران: مجد.
۹. سالومون، مارگوت‌ای (۱۳۹۱)، *مسئولیت جهانی برای حقوق بشر: فقر جهانی و توسعه حقوق بین‌الملل*، گردآوری: فریده شایگان، ترجمه گروه مترجمان، چ اول، تهران: مجد.
۱۰. شریفی طراز کوهی، حسین (۱۳۹۲)، *زمینه‌ها، ابعاد و آثار حقوق شهروندی*، چ اول، تهران: میزان.
۱۱. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۶)، *حقوق اساسی*، چ نهم، تهران: میزان.
۱۲. فتحی، محمد (۱۳۹۳)، *اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان (اصل سی‌ام)*، انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان، شماره مسلسل ۱۳۹۳۰۱۳۵.

۱۳. قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۸۸)، حقوق بشر در جهان معاصر: دفتر دوم، جستارهایی تحلیلی از حق‌ها و آزادی‌ها، چ اول، تهران: شهر دانش.
۱۴. گودرزی، محمدرضا؛ الوندی، مظفر (۱۳۸۴)، حقوق بشر در نظام کیفری و زندان‌ها، چ اول، تهران: راه تربیت.
۱۵. مگنوسون واتر دال تریه؛ توماس هاس چایلد، الکساندر (۲۰۱۰)، فشرده مجموعه اسناد ملی و بین‌المللی در زمینه تعلیم و تربیه در افغانستان، ترجمه: سید وحید دادگر، کابل، انتشارات یونسکو کابل. چاپ اول.

ب) مقالات

۱۶. ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۱)، «بازپروری عادلانه مجرمان»، فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، ش ۳، ص ۱۷۶-۱۵۱.
۱۷. بیگی، جمال؛ تیموری، مهرداد (۱۳۹۹)، «آموزش کودکان و نوجوانان محروم از آزادی و چالش‌های فراروی آن در حقوق ایران»، فصلنامه حقوق کودک، دوره ۲، ش ۵، ص ۱۰۱-۷۳.
۱۸. بیگی، جمال (۱۳۹۸)، «راهبرد نگاری قانونی برای کودکان و نوجوانان در سیاستگذاری آموزشی»، فصلنامه سیاست‌نامه علم و فناوری، دوره ۹، ش ۴، ص ۴۶-۳۱.
۱۹. جهانگیری، الناز؛ قماش، سعید (۱۳۹۶)، «بررسی کارکردهای بازپرورانه اجرای حق برخورداری از آموزش و پرورش در زندان‌های استان اصفهان»، دوفصلنامه حقوق کیفری، دوره ۸، ش ۲، ص ۹۱-۶۳.
۲۰. حبیب‌نژاد، سید احمد؛ رجبی، محمد؛ میرزایی، زهرا (۱۳۹۵)، «حمایت کیفری از حق‌های اساسی شهروندان در نظام حقوقی ایران»، دوفصلنامه حقوق جزا و سیاست جنایی، دوره ۱، ش ۱، ص ۲۴-۱.
۲۱. حبیبی مجنده، محمد (۱۳۹۱)، «تحریم‌های اقتصادی و نقض حق بر آموزش»، دوفصلنامه حقوق بشر، دوره ۷، ش ۱، ص ۲۴-۳.
۲۲. حسینی دره صوفی، سید محمد (۱۳۹۸)، «حق بر آموزش مهاجر در فقه اهل‌بیت و قوانین موضوعه»، فصلنامه فقه، حقوق و علوم جزا، دوره ۴، ش ۱۳، ص ۶۰-۴۷.
۲۳. دانش‌پژوه، وهاب (۱۳۷۸)، «محرومیت از حقوق اجتماعی در حقوق کیفری ایران و فقه امامیه»، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، ش ۹، ص ۲۱۴-۱۸۱.
۲۴. رحمت‌اللهی، حسین؛ دانش‌ناری، زهرا (۱۳۹۳)، «حق و آزادی آموزش و پرورش»، دوفصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، دوره ۳، ش ۷، ص ۷۰-۵۳.
۲۵. رستمی، سارا؛ سلیمان‌زاده افشار، ثروت (۱۳۹۹)، «بازاندیشی در مفهوم حق بر آموزش در پرتو شهروندی دموکراتیک»، فصلنامه اخلاق زیستی، دوره ۱۰، ش ۱، ص ۱۸۶-۱۷۳.

۲۶. سید حاتمی، مریم؛ مصفا، نسرين (۱۳۹۹)، «تعهد دولت‌ها بر ایجاد برابری جنسیتی در آموزش»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۵۰، ش ۴، ص ۱۳۹۹-۱۳۷۹.
۲۷. طلائی، فرهاد؛ احمدی باب اناری، سمیرا؛ نبوی‌زاده، سیده لیلا (۱۳۹۴)، «تحلیلی بر کار کودک و تأثیر آن بر حق آموزش کودک با تأکید بر برنامه بین‌المللی حذف کار»، *فصلنامه حقوق بشر*، دوره ۱۰، ش ۱، ص ۲۴-۳.
۲۸. نیازپور، امیرحسین (۱۳۹۴)، «حق زندانیان بر تحصیل در قلمرو سیاست جنایی تقنینی سازمان ملل متحد و ایران»، *فصلنامه پژوهش‌های حقوق کیفری*، دوره ۱، ش ۱، ص ۳۴-۱۹.
۲۹. نیازپور، امیرحسین (۱۳۹۱)، «حق برخورداری از آموزش و پرورش: از حقوق بشر تا پیشگیری از بزهکاری»، *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم*، ش ۲۲، ص ۸۶-۶۰.
۳۰. نیاورانی، صابر (۱۳۸۹)، «منزلت حق بر آموزش در نظام بین‌المللی حقوق بشر»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، دوره ۱۳، ش ۵۲، ص ۴۳۳-۳۸۱.
۳۱. واحدی‌زاده، جواد؛ جباری، سید محمد (۱۳۹۲)، «جایگاه مجازات‌های تبعی در نظام کیفری اسلام»، *فصلنامه تعالی حقوق*، دوره ۵، ش ۵، ص ۱۵۹-۱۳۷.
۳۲. اتینگر، درک؛ ترینر، نیک (۱۳۸۴)، «حقوق بشر و حقوق فرهنگی» در: *مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی حقوق بشر*، ترجمه قاسم شبان‌نیا، قم: گرایش، ص ۴۶-۳۵.
۳۳. دانلی، جک (۱۳۸۴)، «اعلامیه جهانی حقوق بشر لیبرالیسم و اجتماع متداخل بین‌المللی»، در: *مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی حقوق بشر*، ترجمه محمد حبیبی مجنده، قم: گرایش، ص ۷۴۸-۷۲۷.

ج) پایان‌نامه‌ها

۳۴. تیموری، مهرداد (۱۳۹۶)، *حق آموزش زندانیان و چالش‌های فراروی آن در ایران با تکیه بر اسناد بین‌المللی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه.

۲. انگلیسی

A) Books

1. Ansari, Baqer (2014), *The Right to Education: The Right of the Child to Education in the International Human Rights System*, Tehran, Shahr Danesh Publications, First Edition (in Persian).
2. Ardabili, Mohammad Ali (2018), *General Criminal Law*, Vol. 3, Tehran, Mizan Publications, Fifteenth Edition (in Persian).
3. Beigi, Jamal (2009), *Child Victimization in Iranian Law*, Tehran, Mizan Publications, Second Edition (in Persian).

4. Carrabine, Eamom, Cox, Pamela, South, Nigel, Lee, Maggy, Turton, Jackie and Ken, Plummer (2009), *Criminology a Sociological Introduction*, London, Publisher Routledge.
5. Danesh, Tajzaman (1997), *Prisoners' Rights and Prisoner Science*, Tehran, Tehran University Press, Third Edition (in Persian).
6. Davodian, Ehsan (2016), *Prisoner Rights in Iran and International Documents*, Tehran, Majd Publications, First Edition (in Persian).
7. Dieter Beiter, Klaus (2005), *The Protection of the Right to Education by International Law (International Studies in Human Rights)*, Boston, Publisher Martinus Nijhoff.
8. Eide, Asbirun, Krause, Katarina & Rosas, Allen (2012), *Economic, Social and Cultural Law, translated by Ardeshir Amirarajmand and the group of translators*, Tehran, Majd Publications, Second Edition (in Persian).
9. Fathi, Mohammad (2014), *Principles of the Constitution in the light of the views of the Guardian Council (Principle 30)*, Publications of the Guardian Council Research Institute, serial number 133030135 (in Persian).
10. Goodarzi, Mohammad Reza and Alvandi, Mozaffar (2005), *Human Rights in the Penal System and Prisoners*, Tehran, Rah-e Tarbiat Publications, First Edition (in Persian).
11. Hatami, Mehdi & Zahedi Galogahi, Monire (2013), *The Right to Education and the Obligations of Governments*, Tehran, Khorsandi Publications, First Edition. (in Persian)
12. Krolak, lisa (2019), *Books beyond bars: the transformative potential of prison libraries*, Unesco Institute for Lifelong Learning.
13. Magnusson Water Dahl, Trier & Thomas Haas Child, Alexander (2010), *Compact Collection of National and International Documents in the Field of Education in Afghanistan*, translated by Seyed Vahid Dadgar, Kabul, Unesco Kabul Publications. First Edition (In Persian).
14. O'Byrne, Darren (2013), *Human Right an Introduction*, London, Publisher Routledge.
15. Qari Seyed Fatemi, Seyed Mohammad (2009), *Human Rights in the Contemporary World: Second Book, Analytical Essays on Rights and Freedoms*, Tehran, Shahr Danesh Publications, First Edition (in Persian).
16. Salomon, Margot.E (2012), *Global Responsibility for Human Rights: Global Poverty and the Development of International Law*, Compiled by: Farideh Shayegan, Translation: Translators Group, Tehran, Majd Publications, First Edition (in Persian).
17. Sharifi Taraz Koohi, Hossein (2013), *Backgrounds, Dimensions and Effects of Citizenship Rights*, Tehran, Mizan Publications, First Edition (in Persian).
18. Ssenyonjo, Manisuli (2009), *Social and Cultural Rights in International Law*, London, Hart Publishing.
19. Tabatabai Motameni, Manouchehr (2007), *Constitutional Law*, Tehran, Mizan Publications, Ninth Edition (in Persian).

20. Taghizadeh, Ahmad (2016), *a series of sessions for the detailed reading of the parliamentary deliberations The final review of the 1358 constitution (review of the 30th principle of the subject of the detailed deliberations session)*, Guardian Council Research Institute Publications, serial number 13950055 (in Persian).

B) Articles

21. Amit Kumar, Jain & Upendra Nabh, Tripathi (2018), "Prisoners Education in India: A Case Study of IGNOU with special reference to Haryana", *Educational Quest: An International Journal of Education and Applied Social Science*, Vol. 9, No. 1, pp. 39-46.
22. Anaya, S. James (2004), "International Human Rights and Indigenous Peoples: The More Toward The Multicultural state", *Arizona Journal of International and comparative law*, Vol. 21, No. 1, pp. 1-50.
23. Beigi, Jamal (2019), "Legal Strategy for Children and Adolescents in Educational Policy Making", *Journal of Science and Technology Policy*, Vol 9, No 4, pp. 31-46 (in Persian).
24. Beigi, Jamal & Teymouri, Mehrdad (2020), "Education of children and adolescents deprived of liberty and the challenges it faces in Iranian law", *Journal of Child Rights*, Vol. 2, No. 5, pp. 73-101 (in Persian).
25. Daneshpajoo, Wahab (1999), "Deprivation of social rights in Iranian criminal law and Imami jurisprudence", *Research Quarterly of Imam Sadegh University*, No. 9, pp. 181-214 (in Persian).
26. Danley, Jack (2005), "Universal Declaration of Human Rights, Liberalism and the International Interfering Community", in: *Proceedings of the Second International Conference on Human Rights*, translated by Mohammad Habibi Majandeh, Qom, Garaish Publications, pp. 727-748 (in Persian).
27. Ebrahimi, Shahram (2012), "Fair Rehabilitation of Criminals", *Journal of Criminal Law Teachings*, No. 3. pp. 151-176 (in Persian).
28. Ettinger, Derek and Trainer, Nick (2005), "Human Rights and Cultural Rights" in: *Proceedings of the Second International Conference on Human Rights*, translated by Qassem Shabanania, Qom, Grayesh Publications, pp. 35-46 (in Persian).
29. Habibi Majandeh, Mohammad (2012), "Economic Sanctions and Violation of the Right to Education", *Journal of Human Rights*, Vol. 7, No. 1, pp. 3-24 (in Persian).
30. Habibnejad, Seyed Ahmad, Rajabi, Mohammad & Mirzaei, Zahra (2016), "Criminal protection of the basic rights of citizens in the Iranian legal system", *Journal of Criminal Law and Criminal Policy*, Vol. 1, No. 1, pp. 1-24 (in Persian).
31. Hosseini Darreh Sufi, Seyyed Mohammad (2019), "The Right to Immigrant Education in Ahl al-Bayt Jurisprudence and Subject Laws", *Journal of Jurisprudence, Law and Criminal Sciences*, Vol. 4, No. 13, pp. 47-60 (in Persian).
32. Jahangiri, Elnaz & Ghomashi, Saeed (2017), "Study of the rehabilitative functions of exercising the right to education in prisons of Isfahan province", *Journal of Criminal Law*, Vol. 8, No. 2, pp. 63-91 (in Persian).
33. McCrie, Robert & Clemot, Annabelle (2015), "The Mandela Rules: Will They

- Impact American Corrections?”, *Corrections Today*, Vol. 77, No. 5, pp. 44-48.
34. Niavarani, Saber (2010), "The status of the right to education in the international human rights system", *Journal of Legal Research*, Vol. 13, No. 52, pp. 381-433 (in Persian).
35. Niazipour, Amir Hassan (2012), "The right to education: from human rights to crime prevention", *Journal of Crime Prevention Studies*, No. 22, pp. 60-86 (in Persian).
36. Niazipour, Amir Hassan (2015), "Prisoners' Right to Study in the Realm of United Nations and Iran Legislative Criminal Policy", *Journal of Criminal Law Research*, Vol. 1, No. 1, pp. 19-34 (in Persian).
37. Olawale olaniran, Sunday (2016), "Revisiting Unesco Four Pillars of Education and its Implications for the 21st Century Teaching and Learning”, *conference: 1st Teaching and Learning Conference*, At Richards Bay, South Africa, pp. 1-11.
38. Rahmatollahi, Hossein & Danesh Nari, Zahra (2014), "The Right and Freedom of Education", *Journal of Islamic Human Rights Studies*, Vol. 3, No. 7, pp. 53-70 (in Persian).
39. Rostami, Sara & Soleimanzadeh Afshar, Servat (2020), "Rethinking the Concept of the Right to Education in the Light of Democratic Citizenship", *Bioethics Quarterly*, Vol. 10, No. 1, pp. 173-186 (in Persian).
40. Seyed Hatami, Maryam & Mosafa, Nasrin (2020), "Commitment of governments on creating gender equality in education", *Journal of Public Law Studies*, Vol. 50, No. 4, pp. 1379-1399 (in Persian).
41. Talaei, Farhad, Ahmadi Bab Anari, Samira & Nabavizadeh, Seyedeh Leila (2015), "An Analysis of Child Labor and Its Impact on the Child's Right to Education with Emphasis on the International Labor Elimination Program", *Journal of Human Rights*, Vol. 10, No. 1, pp. 3-24 (in Persian).
42. Vahedizadeh, Javad & Jabbari, Seyed Mohammad (2013), "The place of subordinate punishments in the Islamic penal system", *Journal of Legal Excellence*, Vol. 5, No. 5, pp. 137-159. (in Persian)
43. Wilson, David.B, Gallagher, Catherine.A, Coggeshall, Mark.B & MacKenzie, Doris.L, (1999), "Quantitative Review and Description of Corrections-Based Education, Vocation, and Work Programs”, *Corrections Management Quarterly*, Vol. 13, No. 4, pp. 8-18.
- C) Thesis**
44. Miceli, Victoria (2009), *Analyzing the Effectiveness of Rehabilitation Programs*, Senior Honors Projects, Part of the Social and Behavioral Sciences Commons, University of Rhode Island.
45. Teymouri, Mehrdad (2017), *The Right to Education of Prisoners and the Challenges Facing It in Iran Based on International Documents*, Thesis for Master of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Maragheh Branch (in Persian).